

قصه‌ی علی مرادی؛ فدراسیون وزنه‌برداری و ورزش اردبیل

بعد از گذشت روزها و هفته‌ها مسئولین ورزش کشور موفق به حل مسئله‌ای ای به نام علی مرادی و فدراسیون وزنه‌برداری نشده‌اند. یک روز بازنشسته است و باید برود و روز دیگر برمی‌گردد و دگر روزی می‌گویند تا روشن‌شدن معمای بازنشستگی‌اش باید بماند و در وزنه‌برداری حکومت بکند.

چه اصراری برای ماندن وجود دارد؟ این قبیل آقایان عجب عاشق و شیدای خدمت می‌باشند. چرا نمی‌توانند دل از میز ریاست بکنند و امور را به جوانان بسپارند؟ چه حکمتی درکار است که تا کسی در مسئولیتی قرار می‌گیرد چنان شیفته‌اش می‌شود که دل کندن از آن غیرممکن می‌شود؟ این آقا مرادی ما هم خیلی عشق خدمت به وزنه‌برداری دارد. کاش روزی پشت پرده‌های علاقه‌مندی، ارادت و وابستگی خیلی‌ها به ریاست افشا شود تا میزان خلوص، عیار و وابستگی آن‌ها به مردم و یا میز و صندلی قدرت بر همگان روشن و آشکار گردد.

خلاصه از آن روزی که بازنشستگی مرادی بر سر زبان‌ها افتاد گروهی دیگر از خدمت‌گزاران مردم آستین همت بالا زدند و قرار گرفتن در جایگاه مرادی را هدف گرفتند و تا می‌توانستند رایزنی کردند و به این و آن در زدند.

خلاصه از آن روزی که بازنشستگی مرادی بر سر زبان‌ها افتاد گروهی دیگر از خدمت‌گزاران مردم آستین همت بالا زدند و قرار گرفتن در جایگاه مرادی را هدف گرفتند و تا می‌توانستند رایزنی کردند و به این و آن در زدند.

وقتی گفتند که علی مرادی باید برود سلسله ارتباطاتی و تلاش بانندی و گروهی استارت زده شد. اسم چهار نفر بیشتر از دیگران مطرح گردید سه نفر اردبیلی و یک قائمشهری را داوطلب ریاست فدراسیون معرفی کردند.

اردبیلی‌های این جریان، حسین رضازاده، سجاد انوشیروانی و سعید علی‌حسینی بودند. در بین این نامزدهای احتمالی سجاد انوشیروانی به‌خاطر برخی مسائل‌اتفاق افتاده در گذشته، گویا بیشتر به این کار تمایل داشته‌است.

بعد از شکست وی در مقابل مرادی در آخرین مجمع انتخاباتی فدراسیون از همین فردایش اسب خود را برای قرار گرفتن در جای او زین کرد و حتی عده‌ای اعتقاد دارند که تمایلش برای مدیریت ورزش و جوانان اردبیل نیز در راستای هموار کردن راه رسیدن به صندلی فدراسیون بوده است. البته این‌ها روایت است که صحت آن را باید خود انوشیروانی تأیید کند.

هر روز خبری از انتصاب سرپرست فدراسیون به گوش می‌رسید و روزها بود که ورزش اردبیل تحت تأثیر این امر قرار گرفته بود چراکه اگر انوشیروانی سرپرست فدراسیون می‌شد باید تکلیف ورزش و جوانان اردبیل را روشن می‌کردند.

در هفته‌ای که گذشت شایعه‌ای مبنی بر امضای حکم سرپرستی انوشیروانی در شهر پخش شد و به یک باره شوق خدمت خلی‌ها فوران کرد و فکر رسیدن به مدیریت ورزش استان آرامش آن‌ها را برهم زد.

دوندگی‌ها آغاز شد. تلفن‌های همراه فعال گردید و خلاصه هر کسی که عشق خدمت به دل داشت قد برافراشت و خود را فردی لایق، شایسته و سزاوار برای قرار گرفتن در رأس مدیریت ورزش استان قلمداد کرد.

فکرهای بد نکنید. اثری از علاقه‌مندی به قدرت و حکمرانی در نزد آن‌ها در دلتان نباشد. بدانید که حلالیت گرفتن این روزها خیلی سخت شده است. البته طبیعی است آدم دل‌داده خدمت بی‌منت باشد و برای به دست آوردن آن چندین جفت کفش گران‌قیمت و مرغوب پاره بکند و آن گاه برای وی به چشم یک مقام پرست نگاه نکنند.

مشغول‌الذمه باشید که نامزدهای مدیریت ورزش و جوانان اردبیل را شایسته قرار گرفتن در این پست و به دست آوردن سکان هدایت ورزش ندانید. ای‌کاش قانون اجازه می‌داد و برای اردبیل امکان انتخاب و انتصاب چندین مدیرکل هم‌زمان برای ورزش فراهم می‌شد. در این صورت دیگر کسی از دیگری دلگیر نمی‌شد. مجموعه‌ای از مدیرها برای ورزش اردبیل نسخه پیچی می‌کردند و برای هرچه بیشتر زمین‌گیر کردنش برنامه‌ها در نظر می‌گرفتند. اگر رفتن انوشیروانی به فدراسیون طول بکشد هر روز بر تعداد نامزدهای مدیریت ورزش استان اضافه می‌شود و شاید روزی برسد که کل استان در ردیف دلدادگان مدیریت ورزش قرار بگیرند.

چرا این‌همه علاقه‌مند به مدیریت در ورزش استان؟ آیا خدمت بی‌منت به ورزش فقط در صورت مدیرکل شدن ممکن هست و غیر از آن شدنی نیست؟

آیا خدمت بی‌منت به ورزش تنها در صورت پوشیدن ردای مدیریت حاصل می‌شود؟ آیا افرادی که می‌گویند "انارجل"، لیاقت و شایستگی به دست آوردن این پست را دارند؟ آیا کار کردن در ستاد یک نفر و وابستگی به یک شخص و برخورداری از حمایت عده ای همیشه طلبکار در ورزش برای تحویل گرفتن کلید اتاق طبقه سوم ساختمان میدان ورزش کافی است؟

مطمئن بعد از پخش خبری مبنی بر ماندن علی مرادی و ادامه کارش در فدراسیون، تب و تاب مدیریت جدید ورزش اردبیل تا حدودی فروکش می‌کند ولی این قصه همچنان ادامه خواهد داشت چراکه خیلی‌ها معتقدند انوشیروانی در هر صورت مدیریت‌اش در اردبیل کم‌کم به انتهای خط می‌رسد و ممکن است با تلنگری ناشی از تغییر مدیران دولت تدبیر و امید به لرزه درآید ولی او به‌عنوان یک قهرمان ملی چه در رأس ورزش اردبیل باشد و چه در بخش دیگری مشغول شود برای ورزشی‌ها قابل احترام و افتخار می‌باشد. و در نهایت در چه زمانی خواب مدیریت برخی‌ها تعبیر می‌شود خدا می‌داند و گذر زمان چگونگی آن را مشخص و روشن خواهد کرد.